



حامدفرماند

زاویه دید

مرثیه ای برای آیین فراموش شده نوروخوانی

چند ده سال پیش، زمانی که هنوز «باور به طبیعت و جلوه های شگفت آن» از گوشه ذهن پدرانمان پاک نشده بود و «ستایش توأم با احترام» نسبت به «شیروهای ماورای درک و توان» در زندگی حضور داشت، «خنیگران گمنام و دوره گردی» بودند که روستا به روستا و ناحیه به ناحیه، نورو و فرا رسیدن بهار را به آواز خوش خبر می دادند. مخاطب آنان مردم عادی روستا «و نغمه های ساده و روان» ورد زبان شان بود. آنان حامل فرهنگ مناطق مختلف بودند و عامل انتقال آنچه از مخاطبان شان

می آموختند، به دیار خود. آنان نیز چون دیگر خنیگران، هدایتگران روحی و معنوی مردمان زمان خود به شمار می آمدند و «وصف احساسات مردمان و تبلیغ رسم و آیین کهن و بازگویی اتفاقات مهم» در کلام شان، به طنز یا جد موج می زد. آنان به شیوه های متنوع و زیبا آداب و رسمی هزار ساله را زنده نگه می داشتند و با ساخته های دست خود یا طبیعت از عروسک های چوبی گرفته تا آتش، نمایش های خود را رنگ و جلایی دیگر می دادند. اما هیچ آیینی، جز در جامعه ای که پذیرنده آن باشد، تداوم نخواهد یافت و هیچ جامعه ای پذیرای مراسمی نخواهد بود مگر زمینه بروز آن فراهم باشد. چند دهه است که نه ایران، بلکه کل آسیا از فرهنگ و اندیشه کهن خود جدا شده و دراین تغییر، بیشترین ضربه به داشته ها و اندوخته های پیشین وارد آمده است. امروزه از نورو و خوانان، جز به تمسخر و تحقیر پذیرایی نمی شود و معدود خنیگرانی که مانده اند از شرم، گوشه عزلت گزیده اند و سال هاست خمیر

خود را به تنور دیگری می زنند. چه حتی گرفتن انعام پس از اجرای برنامه شان هم «گدایی محسوب می شود» آنچه هم از آن مراسم به جا مانده، جز لودگی سیاه بازان نیست که طنز را تا حد سخنان بی مایه و تمسخری فطری پایین کشیده اند و نه هنر بداهه گویی و بداهه سرایی دارند و نه جرأت به طنز کشیدن مخاطب شان را. امروزه حتی در «دورافتاده ترین روستاهای ایران» نیز شیوه زندگی دگرگون شده است و نگاه ساده ترین روستاییان نیز به اتفاقاتی است که در «مرکز» می گذرد و «مرکز نشینان» نیز الگوی رفتاری خود را از سطحی ترین لایه های اجتماعی غرب دریافت می کنند. به بیان دیگر بی هویتی موسیقی امروز مسا از گمگشتگی خود ما آب می خورد. در روزگاری که با هر گام یک قدم به نابودی کامل طبیعت و شادابی نزدیکتر می شویم و برای از بین بردن جلوه های حیات از هیچ کوششی دریغ

نمی ورزیم و شکستن حریم ها را سرزندگی می پنداریم، بیش از هر چیز به «نمایشی نمادین» که از «آفرینش انسان و طبیعت» سخن بگوید و جشن پیوند آدمی با هستی باشد نیازمندیم؛ و «نورو» چنین آیینی است. و در زمانی که «شادی» برای چهره نشان دادن، چاره ای جز آشوب و آشفتگی ندارد و «پایکوبی» به پای کوبیدن بر آداب و قواعدی که تضمین پایداری جامعه اند، منتج می شود، به جشنی که آشتی آدمی با زندگی است و سال ها خود را با عقاید و اندیشه های ملتمان وفق داده است محتاجیم؛ و «نورو» چنین جشنی است. در دوره ای که اقوام مختلف، یکدیگر را به طعن و سخره یاد می کنند و آنچه هویت ایران را ساخته و به سخره می گیرند، رسمی را محتاجیم که ارمغانی باشد از فرهنگ و هنر همه ایرانیان و مردمان این سرزمین را از رفتار و کنش یکدیگر آگاه کند، و «نورو» چنین رسمی است و در این میانه اگر راهی برای جان بخشیدن به آن آیین، بازآفرینی آن جشن

و امروزی کردن آن رسم باشد «در روشن کردن جایگاه مردمان» است و شناختن آنچه «سنت و میراث فرهنگی معرفی می شود» و البته این واکاوی بی نتیجه خواهد ماند اگر با «درک ویژگی های آشفته و پیچیده زمان حال» همراه نباشد. بازآفرینی سنت زمانی بیماری خواهد بود که محصول گذشته را از تاریخ خود خارج نکرده و آن را امروزی نکرده باشیم. پس اگر اندیشه فردا داریم و به آنچه از خود بر جای می گذاریم پای بندیم، حتی اگر نمی توان این آیین کهن را به «شکل اصلی» خود «بازسازی» کرد، می توانیم آنچه را میراث گرانه های گذشتگان می دانیم چون گنجینه ای ارزشمند حفظ کنیم و به دست نسل های آینده بسپاریم تا نه فقط برای درک اندیشه پیشینیان، که برای «خلق آثار» تازه تر نیز از آن بهره ببرند. میان سرودها و سکوت ها) نوشته محمدرضا درویشی. انتشارات ماهور ۱۳۸۰

گفت وگو با حسین حمیدی، موسیقیدان

مبارزه فرهنگی؛ مهم تر وریشه ای تر از هر نوع مبارزه

اشاره: اگر چه بسیاری با نام حسین حمیدی آشنا نیستند اما او با موسیقی نواحی ایران آشناست. حمیدی زاده متولد اردبیل و پرورش یافته در خانواده ای اهل هنر است و به دلیل علاقه به موسیقی نواحی و به خصوص سازهای بادی، ضمن مطالعه نتیجه تحقیقات فوزهی مجد، با سفر به مناطق مختلف کشور، نوازندگان و خوانندگان موسیقی نواحی را از نزدیک ملاقات و قطعات و نواهای کهن را با گوش خود درک نموده است. طی سال های مختلف ایران از جمله، حوزه خلیج فارس و گیلان و همچنین رقص های محلی ایران منتشر ساخته است. او و گروهش، شمشال، از نیمه دی ماه، سلسله برنامه هایی را به نام بازآفرینی موسیقی محلی ایران در تهران و شهرستان، در میان اهل فرهنگ و دانشجویان و در حضور فرهنگ دوستان ایل قشقایی و اهل هنر شهر ساری به اجرا گذاشته و در این برنامه ها، قطعاتی از موسیقی قشقایی و گیلان را به نمایش گذارده است. آخرین اجرای او در افتتاحیه جشنواره دانشجویی، بهانه ای شد برای گفت وگو با او، پیرامون ویژگی برنامه هایش، دغدغه اش در حوزه موسیقی مناطق، ارتباط موسیقی با نسل جوان و دیدگاه او نسبت به انواع موسیقی.



• اینجا فرهنگ تکروی وجود دارد. در کشورمان ثابت شده که به صورت گروهی نمی توانیم زندگی کنیم و برای رسیدن به آن باید تمرین کنیم



• این نسل فهمیده است که «مبارزه فرهنگی» بسیار مهمتر و ریشه ای تر است از انواع دیگر مبارزه نظیر مبارزه سیاسی. در این رابطه آموزش بر همه چیز مقدم است

چقدر بیشتر بود تا اینکه در میان ۴۰۰ نفر که برنامه را در یک سالن دیدند، اجرا شد. ولی این دلیل نمی شود که ما کار نکنیم، ما هم کار خودمان را خواهیم کرد. صحبت از موسیقی مبتذل کردید. پس لطفاً موضوعی مبتذل را هم تعریف کنید. این، یک بحث مفصل فلسفی، تاریخی و ریشه دار است. من دوست ندارم که این سؤال را همین طوری جواب دهم. اما موضوعی که مطرح کردید اگر حتی سطحی شکافته نشود، در حد یک صحبت شعارگونه و ارزشی خواهد ماند. من برای جواب به این سؤال یک متر دارم. نه من، بسیاری از افراد در جهان این متر را بالاتر تر از هر چیز می دانند. آن چیزی را مبتذل می نامیم که از زمان نگذرد. این البته به موسیقی هم محدود نمی شود. هر داده فرهنگی که بتواند از زمان و البته مکان عبور کند، مبتذل نخواهد بود. تعریفی که برای موسیقی مبتذل ارائه دادید، مشابه تعریفی است که از موسیقی پاپ می شود. نظرات راجع به این نوع از موسیقی چیست؟ من متأسفانه با واژه ها کار نمی کنم. در حالی که به قول کسانی چون شاملو، واژه بسیار مهم است. اول باید ببینیم واژه پاپ یعنی چه. شاید مسأله باشد با موسیقی روز. یعنی نوعی از موسیقی که باید هر روز عوض شود تا جذابیت خاص خودش را داشته باشد. موسیقی که می شود بدون زیاد فکر کردن، را شنید اما من جواب سؤال شما را این گونه بدهم که همه نوع موسیقی باید آزاد باشد. من صحبت از داده های فرهنگی کردم، متأسفانه داده های که از موسیقی لس آنجلس طی بیست و اندی سال پیش وارد این کشور شد، از داده هایی که از مؤسسه های دولتی داده شد، بسیار بیشتر است. پس احتمالاً به تعریف شما از ابتذال، باید مؤلفه هایی را اضافه کنیم تا از نوع دیگر انواع مواد فرهنگی قابل تفکیک باشد. در واقع صحبت از جدی بودن و جدی نبودن است، نه صحبت از شنیدن یا نشنیدن. ما بر حسب سلیقه خودمان باید انتخاب کنیم. همه نوع موسیقی باید آزاد باشد و وجود داشته باشد تا هر کس خودش را پیدا کند و انتخاب صحیح به وجود بیاید. چیزی که هست این است که تحمیل نباید وجود داشته باشد و مثلاً بلندگوهای دولتی بگویند از الان فصل موسیقی سنتی گذشت و همه باید پاپ گوش کنیم. این مسأله نباید باشد همه چیز باید در تعادل باشد. در مورد موسیقی مبتذل، من متر را به دست شما دادم. در واقع زمان و مکان می تواند ثابت کند که موسیقی سطحی است یا نه...



پل مک کارتنی: دیگر نوبت نیومن بود
پل مک کارتنی گفته بود که اگر قرار است در مراسم اسکار بازنده باشد، بهتر است به رندی نیومن بیازد. مک کارتنی پس از پایان مراسم اسکار بر روی صفحه اینترنتی خود آورده است که واگذار کردن اسکار بهترین موسیقی به نیومن برای او مهم نیست. وی گفت: نیومن بارها نامزد دریافت اسکار شده بود و فکر می کنم دیگر نوبت او بوده است. گفتنی است رندی نیومن با آهنگ «اگر تو را ندانستم» برای فیلم «کمپانی هیولاها» برنده جایزه اسکار بهترین موسیقی متن فیلم شد.

ژانگ ییمو، کار در وطن را به هالیوود ترجیح می دهد
در حالی که بیشتر فیلمسازان حاضر در صنعت سینمای چین، در هالیوود به جست و جوی شهرت و پول بیشتر آمده اند، ژانگ ییمو، فیلمساز کی جایز بسیاری را به دست آورده می گوید که به فیلمسازی در سرزمین مادری ادامه می دهد. این فیلمساز که دو بار برنده شیر طلایی ونیز شده و به خاطر آثارش، سینمای چین در سطح بین المللی به طور گسترده جلوه کرده، گفت: «من نمی توانم برای فیلمسازی به هالیوود بروم، من به سبک هالیوود نمی توانم پیوستم». سینمای چین در هنرهای رزمی، به نام «قهرمان» ساخت که به گفته منتقدان سینمایی، بیشتر از «ببر غران، اژدهای پنهان» شانس دریافت اسکار داشت. در این فیلم، ستارگانی چون ژانگ زی یی (بازیگر اژدهای پنهان)، جت لی (ستاره هنرهای رزمی)، تونی لئونگ (رنده جایزه بهترین بازیگر از جشنواره کن) و مگی چنوبنگ بازی کرده اند. «ببر غران» از کارگردان تایوانی، آنگ لی، چهار جایزه اسکار را در سال گذشته به دست آورد.

شده است. آیا در این چهل سال هیچ اتفاقی نیفتاده است و هنرمندان سیاهپوست هیچ کاری نکرده اند که قابل طرح باشد؟ این کارگردان سیاهپوست هالیوود گفت: «وقتی می توان گفت رنگ در هالیوود مهم نیست که رنگین پوستان مدیر شرکت های فیلم سازی شوند».

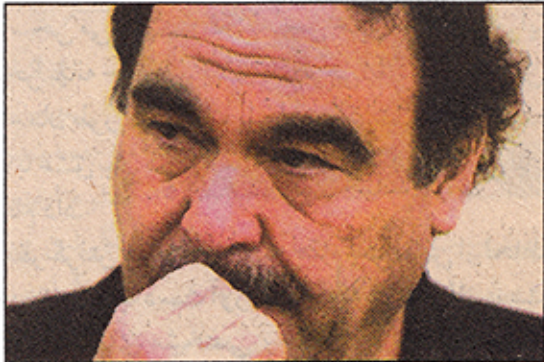


اسپایک لی خطاب به هنرمندان سیاهپوست: خیلی امیدوار نباشید!
در حالی که دنزل واشنگتن و هالبری، دورنگین پوست آمریکایی جایز بازیگری نقش اول را در اسکار امسال از آن خود کردند، اسپایک لی کارگردان سیاهپوست مشهور گفته است که باید صبر کرد و دید که آیا هالیوود کار درستی انجام داده است یا خیر. لی طی سخنرانی در دانشگاه تولدو آمریکا به دانشجویان گفت: «آیا این کار بدین معناست که در هالیوود رنگ پوست مطرح نیست و ما با هنرمندان سفیدپوست یکسان هستیم؟ من این طور فکر نمی کنم». خیلی امیدوار نباشید و خیلی برای این جایزه ها احساساتی نشوید. وقتی سیدنی پواتیه برای فیلم «نیز های دشت» اسکار را بر مردم همین نکره ها ردا داشتند و حالا پس از ۴۰ سال نوبت دنزل واشنگتن

رویدادهای هنری

الیور استون با یاسر عرفات ملاقات و گفت وگو کرد

الیور استون، کارگردان نام آشنای هالیوود که ملاقات خود را با یاسر عرفات به صورت فیلم درآورده، آن را فیلمی مستند از دنیای درگیری ها



توصیف کرد. استون در حالی در دفتر عرفات با وی ملاقات کرد که «ام الله» محل استقرار این دفتر، ۱۸ ماه است که مورد حملات شدید سربازان رژیم صهیونیستی قرار دارد. الیور استون که به سازنده فیلم های سیاسی شهرت دارد، درباره این ملاقات گفته است که اصلاً احساس غربت نکرده و گویی در

سرزمینی آشنا قدم گذاشته است. این فیلمساز درباره سفر خود به رویتز گفت: «همیشه بین مناطقی از کره زمین که در آن درگیری و جنگ وجود دارد، مشابهت هایی یافته است. وی با اشاره به گفت وگوهایش با عرفات و شارون و دیگر رهبران این منطقه گفت: با شخصیت هایی که ملاقات کردم درباره زندگی، جنگ، قدرت و رهبران صاحب قدرت و مفاهیمی از این قبیل تأمل و گفت وگو کردم.

نمایش فیلم های ایرانی در فرانسه و ژاپن
دو فیلم ایرانی «باران» و «شنگول و منگول» در هفدهمین جشنواره فیلم پاریس که از دوشنبه شب در پایتخت فرانسه گشایش یافته است به نمایش درمی آیند. «باران» ساخته مجید مجیدی به عنوان یکی از فیلم های برگزیده بخش مسابقه سال جاری جشنواره پاریس، با ۱۴ اثر سینمایی دیگر برای کسب جایزه ویژه این جشنواره به رقابت خواهد پرداخت. «شنگول و منگول» دیگر فیلم ایرانی جشنواره هفدهم سینمای پاریس است که در بخش خارج از مسابقه این جشنواره به نمایش درمی آید. گفتنی است که پیش از این، فیلم «دلبران» ساخته